

نقدی بر کتاب «آرایه‌های ادبی»

دکتر رامین محرمی، استادیار گروه زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی
پیام فروغی‌راد، دانشجوی دکترای زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

کتاب «آرایه‌های ادبی» (قالب‌های شعر، بیان و بدیع) از دروس مهم و تخصصی رشته ادبیات و علوم انسانی در سال سوم آموزش متوسطه است. هدف از آموزش این درس، آشنا ساختن دانش‌آموزان با علم بلاغت است. مؤلف محترم با ارائه راهکارهایی مناسب به معلمان، سعی در ثمربخشی هر چه بیشتر این کتاب دارد. ضمن ارج نهادن به زحمات مؤلف و سپاسگزاری از ایشان، باید گفت که این کتاب در برخی از موارد کاستی و ایرادهایی دارد که رفع آن‌ها می‌تواند به یادگیری هر چه بیشتر دانش‌آموزان کمک کند. بر این اساس، نگارنده این سطور، وظیفه خود دانسته است که با بیان این کاستی‌ها و ایرادها، گامی هر چند کوچک در جهت تحقق اهداف مؤلف و دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب درسی بردارد.

کلیدواژه‌ها: علوم بلاغی، آرایه‌های ادبی، نقد، جناس

مقدمه

«علم بدیع، علم آرایش کلام است و در آن از صنایع لفظی و معنوی مختلفی که موجب زیبایی و تأثیر بیشتر کلام می‌شوند، بحث می‌شود» (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۵). این علم همراه با دو علم بیان و معانی، علوم بلاغت را تشکیل داده است. پیدایش علوم بلاغت ریشه در قرآن کریم دارد؛ از این روی که مسلمانان در تلاش بودند که راز اعجاز کلامی قرآن را دریابند تا از این طریق به این سؤال، پاسخ دهند که «چه راز و رمزهایی شیوه سخنوری قرآن را تا بدین پایه برکشیده است» (محبّتی، ۱۳۸۰: ۲۵). در زمینه علوم بلاغی نخستین تألیف مستقل، «البدیع» ابن معنز است که در قرن سوم نوشته شده و در این

اولین ایرادی که در این کتاب به چشم می‌خورد، بی‌دقتی در انتخاب عنوان این کتاب است. انتخاب عنوان «آرایه‌های ادبی» برای کتابی که در آن، علاوه بر بدیع، از اوزان عروضی، قالب‌های شعری و بیان نیز بحث شده، صحیح نیست

اثر، هفده اثر مورد بحث قرار گرفته است (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۸). این کتاب از اولین کتب مدوّن و منظم در بلاغت اسلامی است که در آن علوم بلاغت از علوم دیگر جدا شده است (محبّتی، ۱۳۸۰: ۳۵). بعد از ایشان قدامة بن جعفر، کتاب «تقدالشعر» را نوشت و بعد از آن ابوهلال عسگری کتاب «الصناعتین» و جرجانی کتاب «اسرارالبلاغه» و «دلایل الاعجاز» را نوشتند. جرجانی اصطلاح بدیع را برای اطلاق به کل فنون بلاغی به کار برد و علوم بلاغی را از حالت آمیختگی درآورد و مرز معانی، بیان و بدیع را مشخص کرد. بعد از وی، سراج‌الدین سکاکی در «مفتاح‌العلوم» و سعدالدین مسعود تفتازانی در کتاب «مطول» و «مختصر» توجه خود را بیشتر به معانی و بیان معطوف داشتند. بخش پایانی «مطول» به بدیع اختصاص یافته است (صفوی، ۱۳۷۳: ۸۸) که نشانگر مشخص شدن حوزه این سه علم است. خطیب قزوینی در کتاب «الایضاح» نیز این علوم را از هم جدا کرده ولی تقسیم‌بندی آرایه‌های ادبی به صورت کامل انجام نگرفته است و در برخی موارد تعاریف ناقص‌اند. در حوزه زبان فارسی، قدیمی‌ترین کتاب در مورد بلاغت، کتاب «ترجمان‌البلاغه» رادویانی است که در قرن پنجم نوشته شده است. این اثر تا چندی پیش به فرخی شاعر بزرگ دوره غزنوی نسبت داده می‌شد (رادویانی، ۱۳۸۰: ۳۷). در این کتاب نیز، حوزه بیان، معانی و بدیع مشخص نشده است. در قرن پنجم علاوه بر این کتاب، رشیدالدین وطواط کتاب «حدایق السحر فی دقایق شعر» شده است. در قرن هفتم شمس قیس رازی در کتاب «المعجم فی معاییر الاشعار العجم» تألیف کرده است. در این اثر، علاوه بر بیان و بدیع که با هم آمده‌اند، در باب‌های نخستین، از اوزان عروضی

و حروف قافیه نیز بحث شده است. رضا قلی‌خان هدایت، کتاب «مدارج البلاغه در علم بدیع» را در قرن سیزدهم قمری تألیف کرده است و در آن صنایع بدیعی را براساس حروف الفبا آورده اما وی نیز، همچون پیشینیان، علم بیان را در حوزه علم بدیع گنجانده و اولین صنعتی که به آن پرداخته، استعاره است. جامع‌ترین و کامل‌ترین و بزرگ‌ترین کتاب بدیع فارسی که تاکنون تألیف شده، «ابدع البدایع» شمس‌العلمای گرکانی است که آن نیز، همچون «مدارج البلاغه در علم بدیع» به صورت حروف الفبا تنظیم شده است. در کتاب «فنون بلاغت و صناعات ادبی» علامه همایی، علم بیان در مباحث مربوط به صنایع ادبی قرار گرفته است.

گذشته از این آثار، در کتب بدیعی معاصر، علاوه بر اینکه تنها به صنایع بدیعی پرداخته می‌شود و دیگر از علم بیان و معانی خبری نیست، بیشتر از جنبه زیبایی‌شناسی به صنایع بدیعی توجه می‌شود و صنعت‌هایی که با هم سنخیت و جنسیت داشته باشند، در یک گروه قرار می‌گیرند. چنان‌که سیروس شمیسا در کتاب «نگاهی تازه به بدیع»، صنایع را ابتدا به دو بخش بدیع لفظی و بدیع معنوی تقسیم کرده و سپس بدیع لفظی را به چهار فصل (روش تسجیع، روش تجنیس، روش تکرار و تفنن یا نمایش اقتدار) و بدیع معنوی را به پنج فصل (روش تشبیه، روش تناسب، روش ایهام، ترتیب کلام، تعلیل و توجیه) و در خاتمه به بدیع معنوی (که در آن به صنایعی همچون تجرید، مشاکلت، چیستان و... اشاره کرده) و تکلمه تقسیم کرده است. وحیدیان کامیار نیز صنایع ادبی را با توجه به جنسیت و سنخیت آن‌ها، به هشت فصل (تکرار، تناسب، غیرمنتظره بودن و غافل‌گیری، بزرگ‌نمایی، دو یا چند بُعدی بودن، ترفندهای دیداری و ترفندهایی که زیبایی آن‌ها وابسته ترفندهایی دیگر است) تقسیم‌بندی کرده است.

کتاب «آرایه‌های ادبی» سال سوم متوسطه برای دانش‌آموزان، مفید است و ارزش علمی زیادی دارد ولی با توجه

جمهوری اسلامی ایران
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آرایه‌های ادبی

(قالب‌های شعر، بیان و بدیع)

نظری (رشته ادبیات و علوم انسانی)



سال سوم آموزش متوسطه

۲۸۰/۱



به مقدمه کوتاه بالا و سیر تحول بدیع از گذشته تا به امروز و همچنین تقسیم‌بندی صنایع ادبی، باید گفت که این کتاب در برخی موارد دارای کاستی‌هایی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. بی‌دقتی در انتخاب عنوان کتاب

اولین ایرادی که در این کتاب به چشم می‌خورد، بی‌دقتی در انتخاب عنوان این کتاب است. انتخاب عنوان «آرایه‌های ادبی» برای کتابی که در آن، علاوه بر بدیع، از اوزان عروضی، قالب‌های شعری و بیان نیز بحث شده صحیح نیست. از این روی که واژه «آرایه» هم معنی با آراستن است که امری عرضی است اما برخی از صناعات بدیعی مثل مراعات نظیر، اغراق و علوم بیانی از امور ذاتی هستند. لذا باید عنوانی انتخاب شود که همه این موارد را شامل باشد. برای حل این مشکل و نارسایی، دو راهکار پیشنهاد می‌گردد:

الف- اگر منظور از تألیف این کتاب- همان گونه که از عنوان آن آشکار است- پرداختن به صنایع بدیعی باشد، باید به قالب‌های شعری و بیان در کتاب دیگری پرداخته شود و در این کتاب تنها به صنایع بدیعی توجه شده است.

ب- اگر منظور مؤلف محترم، پرداختن به صنایع بدیعی، بیان و قالب‌های شعری است، باید متناسب با محتوا، عنوانی برای این کتاب برگزیند. چنان‌که آقای احمدنژاد برای کتابی که محتوایش را مباحث عروض، قافیه، بیان و بدیع تشکیل می‌دهد، عنوان «فنون ادبی» را گزیده است. یکی از عنوان‌هایی که برای کتاب آرایه‌های ادبی پیشنهاد می‌گردد «بلاغت» است. مؤلف محترم نیز در مقدمه اشاره کرده است که هدف این کتاب، آشنا کردن دانش‌آموزان با علمی به نام «بلاغت» است. با توجه به هدف مؤلف گرامی، پیشنهاد دوم بهتر و شایسته‌تر است.

۲. گنجاندن مطالبی که از حوصله این کتاب بیرون است.

درس اول و دوم که در آن‌ها درباره قافیه،

ردیف، وزن، عاطفه، مصوت و صامت بحث شده است، در حوزه علم قافیه و عروض می‌گنجد و به علم بیان و بدیع مربوط نیست؛ بنابراین، طرح این مباحث در این کتاب خالی از ایراد نیست (به‌دلیل عنوان نامناسب کتاب).

۳. ارائه نشدن تعریف برای بیان و بدیع و محدوده آن‌ها

بهتر بود در ابتدای کتاب، علم بیان و بدیع تعریف می‌شد و به محدوده و مباحث آن‌ها اشاره می‌گردید تا دانش‌آموزان به تفاوت بین بیان و بدیع پی می‌بردند و به متمایز بودن و فرق این دو علم دست می‌یافتند.

۴. تقسیم‌بندی ناصحیح دروس

یکی دیگر از ایرادها که با دقت در فهرست مطالب به آن برمی‌خوریم، تقسیم‌بندی نادرست دروس کتاب است؛ با این توضیح که برخی از آرایه‌ها بدون هیچ‌سختی در کنار هم و در یک درس قرار گرفته‌اند. برای مثال، در درس بیست‌ویکم دو آرایه «تضمین» و «تضاد» در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ در حالی که با هم سختی ندارند. همچنین آرایه‌های «تناقض» و «حس آمیزی» نیز این‌گونه‌اند. باید گفت که «تضاد» با «تناقض» قرابت بیشتری دارد و بهتر بود این دو در کنار همدیگر قرار گیرند. در کتاب‌های بدیع امروزی، تقسیم‌بندی از اهمیت خاصی برخوردار است.

۵. مشخص نشدن حوزه بدیع لفظی و بدیع معنوی در کتاب

در فهرست مطالب کتاب، حوزه بدیع لفظی و بدیع معنوی از یکدیگر مشخص شده است اما در داخل کتاب، این تفکیک صورت نگرفته و پس از اتمام بحث اشتقاق، بلافاصله از مراعات‌نظیر بحث شده است. بهتر بود با یک صفحه طراحی شده (مثل صفحه ۴۹)، این دو بخش از هم جدا می‌شدند.

۶. نارسایی در تعریف برخی از آرایه‌ها

در تعریف برخی از آرایه‌ها، نارسایی و بیانی بهتر، ابهام وجود دارد. مثلاً در تعریف «تضمین» آمده است: «آوردن آیه، حدیث، مصراع یا بیتی از شاعری دیگر را در اثنای کلام تضمین گویند» (هادی، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

در حالی که این تعریف، بیش از آنکه مربوط به تضمین باشد، به سرقت ادبی اختصاص دارد و باید در تعریف تضمین این‌گونه گفت: «آوردن یک مصراع و یا یک یا چند بیت از شعر شاعران دیگر است در ضمن شعر. اگر شعر تضمین شده مشهور نباشد، باید نام شاعر آن نیز ذکر شود تا گمان سرقت نرود.» (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۱۳۲) البته آوردن حدیث و آیه نیز، تضمین محسوب می‌شود.

در درس هجدهم، مؤلف محترم جناس ناقص را به سه نوع تقسیم‌بندی کرده است که از دیدگاه ایشان عبارت‌اند از: ۱. جناس ناقص حرکتی، ۲. جناس ناقص اختلافی، ۳. جناس ناقص افزایشی.

باید گفت که با مراجعه به کتب بلاغی و بدیعی همچون «المعجم فی معاییر اشعار العجم» شمس قیس رازی، «بدیع البدایع» شمس العلمای گرکانی، «فنون بلاغت و صناعات ادبی» علامه همایی، «تقد بدیع» محمد فشارکی، «بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی» وحیدیان کامیار، «نگاهی تازه به بدیع» شمس که همگی از کتب مهم بلاغت و بدیع به‌شمار می‌روند، درمی‌یابیم که در هیچ‌کدام از این آثار، جناس ناقص تقسیم‌بندی نشده است.

بر این اساس، باید گفت که در عبارت «جناس ناقص حرکتی» حشو وجود دارد؛ از این روی که بر همگان آشکار است که جناس ناقص، تنها در اختلاف حرکات دو کلمه به‌وجود می‌آید و آوردن واژه «حرکتی» اضافی است. همچنین باید اضافه کرد که جناس اختلافی (مضارع، لاحق و مطرف)، جناس افزایشی (زاید و مذیل) از انواع جناس ناقص نیستند بلکه از انواع جناس‌اند (به‌نظر می‌رسد که مؤلف محترم، جناس ناقص را مترادف با جناس گرفته است). نکته دیگری که در این بحث به‌نظر می‌رسد خالی از ایراد

نباشد، ترکیب «جناس ناقص افزایشی» است؛ به این دلیل که از کنار هم قرار گرفتن دو واژه «ناقص» و «افزایشی»، پارادوکس ایجاد می‌شود. همچنین با توجه به تعاریف این کتاب، در برخی از مثال‌های مربوط به چند آرایه، همپوشانی وجود دارد؛ برای مثال، بیتی از حافظ در صفحات ۱۱۸ و ۱۲۱ آمده که در آن، دو واژه «رنج» و «مرنج» یک بار جناس افزایشی و بار دیگر اشتقاق در نظر گرفته شده است.

در درس نوزدهم، به صنعت اشتقاق پرداخته شده است؛ بدون آنکه اشاره شود که اشتقاق از انواع جناس و نام دیگر آن «اقتضاب» است (شمیسا، ۱۳۹۰: ۵۷) و فقط اشاره شده است که «جناس‌های هم‌ریشه اشتقاق نیز خواهند داشت» (هادی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در کتب بدیعی اشتقاق را از فروع جناس شمرده‌اند و برخی نیز آن را به‌عنوان «جناس اشتقاق» در انواع تجنیس آورده‌اند.

۷. نپرداختن به یک آرایه و انواع آن در یک درس

یکی از ایرادهایی که نظم کتاب را به هم ریخته، نپرداختن به یک آرایه خاص و انواع آن در یک درس است. برای مثال، در قسمت پایانی درس هفدهم به صنعت جناس پرداخته شده و در درس هجدهم، از انواع آن بحث به میان آمده است. شایسته بود که در یک درس به جناس و انواع آن پرداخته شود تا نظم کتاب حفظ گردد. همچنین اگر به مبحث ترصیع در درس شانزدهم و همراه با سجع پرداخته می‌شد، بهتر بود.

۸. بی توجهی به دیگر صنایع بدیعی

یکی از کاستی‌های این کتاب نپرداختن به دیگر صنایع‌های بدیعی است. باید برای دانش‌آموزان کتابی صرفاً بدیعی تألیف شود و در آن، به اغلب آرایه‌های ادبی، متناسب با ذهن دانش‌آموزان اشاره گردد.

۹. آوردن مثال‌های نامناسب

یکی دیگر از ایرادهایی که در این کتاب دیده می‌شود، آوردن شاهد مثال‌های نامناسب است؛ مثال‌هایی که با تعاریف ارائه شده همخوانی ندارند. در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

در درس شانزدهم، در بحث از سجع متوازن این جمله از گلستان سعدی آمده است: «مال از بهر آسایش عمر است، نه عمر از بهر گرد کردن مال»

(هادی، ۱۳۹۰: ۹۹) و دو کلمه «عمر» و «مال»، سجع متوازن گرفته شده، در حالی که به کشیدگی یا کوتاهی این دو کلمه توجهی نشده است. به بیانی دیگر، «در سجع متوازن علاوه بر تساوی عدد هجاها، تساوی کمی هجاها هم شرط است» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۳۹) ولی در این مثال، کلمه «مال» کشیده‌تر از «عمر» است.

نویسنده محترم در تعریف جناس آورده است: «یکسانی و همسانی دو یا چند واژه است در واح‌های سازنده با اختلاف در معنی» (هادی، ۱۳۹۰: ۱۰۹) اما در مثالی که برای جناس آمده است، گاه این اختلاف معنا دیده نمی‌شود:

شادی مجلسیان در قدم و مقدم توست
جای غم باد مر آن دل که نخواهد شادت
(همان: ۱۱۸)

در واقع، قدم و مقدم اختلاف معنایی ندارند بلکه تصریف هم هستند.

و یا اینکه در رابطه با حسن تعلیل، این بیت ذکر شده است:

بنالد جامه چون از هم بدرد
بگرید رز چو شاخ او بیری
(همان: ۱۶۱)

در این بیت، استعاره مکنیه وجود دارد؛ از این روی که شاعر، صدای دریدن جامه را همچون ناله انسان و قطرات آبی را که از رز بیرون می‌آید، همچون گریستن انسان دانسته و در این بیت دلیل ادبی برای این امور ذکر نشده است.

نتیجه‌گیری

کتاب «آرایه‌های ادبی» از دروس مهم رشته ادبیات و علوم انسانی است. این کتاب در برخی موارد دارای کاستی‌ها و ایرادهایی است که برطرف کردن آن‌ها باعث غنی‌تر شدن این اثر می‌شود. اغلب ایرادها و نواقصی که دیده می‌شود، مربوط به تعاریف، مثال‌ها و تقسیم‌بندی دروس است و با ارائه تعاریف منطبق با کتاب‌های معتبر بلاغی و همچنین دقت در تقسیم‌بندی دروس می‌توان این ایرادها را رفع کرد. البته نباید از زحمات مؤلف در تألیف کتاب متناسب با ذهن دانش‌آموزان به سادگی گذشت و باید اذعان کرد که این کاستی‌ها و ایرادهای اندک، از ارزش علمی زیاد این کتاب نمی‌کاهد. جا دارد که در اینجا از زحمات مؤلف محترم کتاب نیز سپاس‌گزاری کنیم.

منابع

۱. احمدنژاد، کامل؛ فنون ادبی، انتشارات پایا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
۲. رادویانی، محمد بن عمر؛ ترجمان البلاغه، به تصحیح محمد آتش و ترجمه توفیق سبحانی و اسماعیل حاکمی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.
۳. رازی، شمس‌الدین محمد؛ المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح علامه قزوینی و تصحیح محمد مدرس رضوی و تصحیح مجدد سیروس شمیسا، انتشارات علم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.
۴. شمیس، سیروس؛ نگاهی تازه به بدیع، نشر میترا با همکاری نشر سپاسک، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۰.
۵. صفوی، کوروش؛ از زبان‌شناسی به ادبیات (جلد اول: نظم)، نشر چشمه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۶. فشارکی، محمد؛ نقد بدیع، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
۷. گرکانی، شمس‌العلماء؛ ابداع البدایع، به اهتمام حسین جعفری، انتشارات احرار، چاپ اول، تبریز، ۱۳۷۷.
۸. محبتی، مهدی؛ بدیع نو، انتشارات سخن، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.
۹. وحیدیان کامیار، تقی؛ بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۴.
۱۰. هادی، روح‌الله؛ آرایه‌های ادبی (قالب‌های شعر، بیان و بدیع)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۹۰.
۱۱. هدایت، رضا قلی‌خان؛ مدارج البلاغه در علم بدیع، به تصحیح حمید حسینی و بهروز صفزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۳.
۱۲. همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، مؤسسه نشر هما، چاپ بیست و ششم، تهران، ۱۳۸۶.